

من پریت هورا:

هند د ننگونو په وړاندې

د افغانستان تر څنگ درپري

صفحہ ۶

یک عضو کمیته گزینش:

نماینده گان نمی خواهند انتخابات برگزار شود

نماینده گان مجلس:

حکومت اراده یی به برگزاری انتخابات ندارد

صفحہ ۳

صفحہ ۳



استراتژی امریکا در برابر پاکستان و طالبان تغییر کرده است؟

رشد زراعت قریه با احداث ترناب

نمی توانستند، لهذا ناگزیر بودند تا زنده گی خویش را با مشکلات و نگرانی سپری نمایند. خوشبختانه، اکنون که برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، با انتخاب و تصمیم خود مردم توانست احداث پروژه ترناب را در عمل ممکن بسازد، در واقع یکی از بزرگترین مشکلات مردم این روستا تا حد زیاد برطرف شده است. زیرا، ترناب قریه زمینه رسیدن آب و افزرا به مقدار مورد نیاز برای روستای خاکساری مهیا ساخته است. مردم این قریه با خورسندی به کشت و زراعت شان پرداخته و اطمینان دارند که روز تاروز با برداشتن حاصل خوب، تولیدات شان را به بازار عرضه کرده و از طریق عاید آن به خوبی امرار معاش خواهند کرد.

محمد کریم یکی دیگر از باشندگان قریه خاکساری میگوید:

«با ساخته شدن ترناب اساسی در قریه، ان شالله، تغییرات بسیار بزرگی در زیاد شدن حاصلات زراعتی ما رونما میگردد. من خودم که یکی از دهاقین بی بضاعت قریه بودم و به زمین و باغم آب کافی نمی رسید، هر سال با ناامیدی به آینده می نگریستم. اما حال امید به خدا دارم که به فضل و یاری او، نسبت به سالهای قبل، از زمین خود حاصلات خیلی خوب بردارم و با پول آن زنده گی خود و فامیلم به خوشی بگذرانم.»



وزارت احیا و انکشاف دهات از طریق شوراهای انکشافی برنامه همبستگی ملی توانسته است انکشاف و بهبود معیشت را در قرا و قصبات کشور ما تا حدود زیادی تأمین کند. روی این اصل، اکنون بیش از (۲۵۰) جریب زمین زراعتی که قبل براین در قریه خاکساری و لسوالی ارگویی ولایت بدخشان از رزق باز مانده بود، با احداث ترناب قریه آبیاری میشود و صدها فامیل از برکت آن، حاصل بهتر و بیشتر میگیرند و رفاه و آسایش در زنده گی شان راه یافته است. قریه خاکساری در سمت غرب بازار و لسوالی ارگو به فاصله دویسم کیلومتری آن موقعیت دارد و پیشه اکثر مردم این روستا، زراعت، مالداری، باغداری، دوکانداری، کاردرادارات دولتی بوده و یک تعداد هم دارای پیشه آزاد میباشند.

باید یادآور شد، زمانی که قریه مذکور تحت پوشش دور دوم برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات قرار گرفت، مردم قریه به علاقه مندی خاص جهت ایجاد شورا در انتخابات اشتراک کردند که خوشبختانه بتاريخ (۲۹) جولای (۲۰۱۳) انتخابات صورت گرفت و توسط انتخابات اعضای شورا انتخاب و شورای انکشافی در قریه ایجاد گردید. بعداً اعضای شورا با تدویر جلسات متعدد شان پروژه ترناب را که یکی از آرمانهای دیرین و میرم شان به شمار میرفت، انتخاب نمودند. کار این پروژه بتاريخ (۲۸) فبروری (۲۰۱۶) شروع شد که با هزینه مجموعی بالغ بر (۲۰۸۸۰۰۰) افغانی از سهم برنامه همبستگی ملی بتاريخ دوم مارچ (۲۰۱۶) تکمیل و مورد بهره برداری مردم قریه قرار گرفت. اکنون در حدود (۳۰۰) فامیل از این پروژه مستفید میگردند و از برکت همین پروژه در حدود (۲۵۰) جریب زمین زراعتی آبیاری میگردد. اکنون مردم قریه حاصلات خوبی از زمینهای خویش بدست می آورند، انواع درخت ها در اینجاء غرس شده است و قریه به یک ساحه سرسبز مبدل گردیده است.

آب زراعتی برای ده نشینان خاکساری، همواره حیثیت ماده حیاتی را داشته و به ذرایع مختلف میکوشیدند تا خلای کمبود آب زراعتی را از میان بردارند. آنها در تلاش بودند تا مانند سایر روستاهای کشور بتوانند از زمین و باغستان های شان، حاصل مناسب بردارند و اقتصاد شان را تقویت نمایند. قابل یادآوریست که مردم این قریه زمینهای زراعتی خویش را در جریان سال، دومراتبه کشت نموده و بهترین حاصلات شان را گندم، جو، جوار، پیاز، کچالو، تربوز، خربوزه و سبزیجات تشکیل میدهد. همچنان، بهترین میوه جات شان را سیب، شفتالو، زردالو، ناک، آلو، بادام، چهارمغز، توت، انگور و غیره احتوا مینماید.

عبدالصمد یک تن از باشندگان های قریه که (۴۴) سال دارد و صاحب شش پسر و سه دختر میباشد در مورد، چنین گفت:

«قبلاً در قریه آب به زمینهای زراعتی ما نمی رسید. بخاطریکه جوی توسط نهر قطع شده بود و مردم با پول شخصی خویش توسط آهن چادر به مثل ترناب یک چیزی را ساخته بودند که توسط آن یک مقدار آب کم، خیلی به مشکل می رسید. مردم قریه بنا بر کمبود آب زراعتی از زمینهای خویش حاصل مناسب برداشته

احمد عمران



سخن ماندگار

نهادهای امنیتی را دریابید

اختطاف و کشتن افراد در مسیر قندوز - بغلان و نیز در مسیر کابل - قندهار برای چندمین بار، حمله گروهی داعش در شرق و جنگ در هلمند و بخش‌های دیگر کشور، همه نشان از آن دارند که وضعیت امنیتی روز به روز در حال وخامت است و بلند رفتن تلفات غیرنظامیان و نظامیان نیز ناقوس مرگ را در سراسر افغانستان به صدا درآورده است.

بی‌توجهی به ربوده شدن افراد و کشته شدن ده‌ها تن مسافر عادی توسط طالبان و نیز گسترش جبهات جنگ در حالی که طالبان رهبران‌شان را از دست داده‌اند، نشان از این دارد که ادارات امنیتی کشور از ضعف مفرط مدیریتی و حتا عدم آن رنج می‌برند.

نبود هماهنگی میان ادارات امنیتی، نفوذ عناصر بیگانه و همکار استخبارات خارجی در نهادهای امنیتی، ضعف و ناتوانی مدیریتی در میدان‌های جنگ و نیز فساد رو به افزایش در نهادهای امنیتی، در کنار عزم طالبان و پاکستان بر جنگ‌های جدی؛ دلایل اصلی ناامنی و تلفات در میان نیروهای امنیتی‌اند. رجحان‌های قومی بر مسایل ملی، درد و دلیل دیگری بر ایجاد مشکلات در نهادهای امنیتی‌اند. وجود سربازان خیالی در ولایت‌های مختلف نیز از عوامل دیگر تقویت طالبان در برابر نیروهای دولتی در برخی از ولایت‌ها به شمار می‌رود. بنابراین ما در برابر یک جنگ فرسایشی قرار گرفته‌ایم و با عدم هماهنگی در میان نهادها، افزایش فساد و ملاحظات قومی، شدیدترین ضربات را نیز بر پیکر نهادهای امنیتی خود وارد می‌کنیم.

تجربه چهارده سال گذشته باید درس کلانی برای نهادهای امنیتی و مسوولان نظام باشد تا در پرتو آن بتوانند هر روز به تجهیز بهتر، حل مشکلات و تقویت خطوط جنگ بپردازند. اما وقتی که سربازان شجاع سرزمین‌مان، هر روز با توطئه‌ها و دسیسه‌های خردکننده از داخل صفوف خویش مواجه می‌شوند، بدون شک نیم انرژی و انگیزه‌شان را از دست می‌دهند و دشمن نیز با اطلاع از این نکته، در حملات‌شان جسارت بیشتر به خرج می‌دهند.

حملات طالبان بر مساجد، کشتن رهگذران و مسافران به هر بهانه‌ای و ده‌ها جنایت دیگر این گروه، نشان از این دارد که دشمن به اندازه کافی در ذهنیت‌ها کوبیده شده و در موضع باطل قرار دارد؛ اما نفس کار فکری نکردن در صفوف امنیتی و ضعف و نبود قوت‌های استخباراتی و خنثاکننده فعالیت‌های تبلیغاتی دشمنان، زاویه دیگری است که سبب فرسایشی شدن جنگ شده است.

بنا بر آنچه گفته شد، نهادهای امنیتی کشور به یک تصفیه‌کاری اساسی نیاز دارند و باید معیارهای قومی جایگزین را با مصالح ملی در نهادهای امنیتی عوض کند. فساد بزرگ اداری در استخدام‌ها و تبدیلی‌ها در نهادهای امنیتی، باید از میان برداشته شود و باید فرماندهان جنگ به‌جای روابط و تعلقات، بر اساس لیاقت و تجربه کاری انتخاب شوند. که خوشبختانه شمار نظامیان لایق و متعهد در این کشور نیز کم نیست.

حفظ سنت سرپرستی در نهادهای امنیتی، دلیل دیگری بر کم‌کاری‌ها، ندانم‌کاری‌ها و عقده‌گشایی‌هایی سرپرستان می‌تواند باشد و این می‌طلبد که هم ریاست جمهوری و هم ریاست اجرایی و هم مجلس نماینده‌گان به این مسأله پایان دهند. مسلماً ادامه کار سرپرستان در نهادهای امنیتی، هیچ حاصلی جز زیان بیشتر ندارد. معرفی افراد شایسته و وطن‌دوست به جای افراد وارداتی و نالایق، باید در اولویت کار ریاست‌جمهوری در خصوص توجه به مسایل سیاسی - اداری کشور قرار گیرد و این کلید اصلی حل معضلات سیاسی - اداری کشور به‌ویژه در نهادهای امنیتی پنداشته می‌شود.

امیدواریم که هم مجلس و هم دولت این مهم را درک کنند و صادقانه به اصلاح امور دولت و مردم بیندیشند و قاطعانه در این مسیر اقدام ورزند.

بی‌سرنوشتی

فرمان تقنینی در مجلس

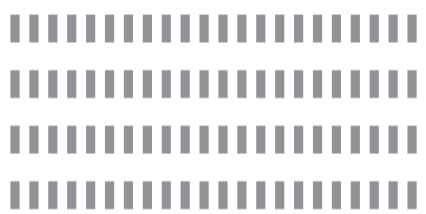
فرمان تقنینی رییس‌جمهوری در مورد اصلاح نظام انتخاباتی، وارد دور باطل شده و چنین به نظر می‌رسد که این فرمان یک بار دیگر با چالش‌های جدی در داخل مجلس نماینده‌گان روبرو شده است.

بر اساس آخرین گزارش‌ها، قرار بود روز گذشته بحث در مورد فرمان تقنینی در آجندای مجلس نماینده‌گان قرار داشته باشد، ولی به دلیل واکنش منفی برخی از نماینده‌گان نسبت به اصل این فرمان، از آجندا بیرون ساخته شد. حالاً معلوم نیست که چه زمانی دوباره بحث در مورد فرمان تقنینی در آجندای مجلس گنجانده می‌شود، ولی چیزی که مشخص است این است که دست‌هایی به صورت عمد تلاش دارند که این فرمان در مجلس تصویب نشود و مسأله اصلاح نظام انتخاباتی بی‌سرنوشت باقی بماند.

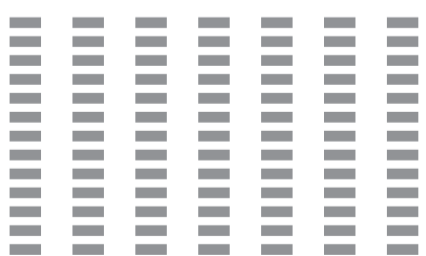
در همین حال، فراموش نباید کرد که پیش از مطرح شدن بحث فرمان تقنینی در مجلس نماینده‌گان، ظاهراً رییس‌جمهوری با شماری از اعضای مجلس در ارگ ریاست‌جمهوری در یک ضیافت افطاری مشوره و گفت‌وگو کرده است. هنوز واقعا مشخص نیست که در آن شام میان اعضای مجلس و رییس‌جمهوری در این مورد چه گذشته، ولی از موضع‌گیری فعلی مجلس نماینده‌گان برمی‌آید که گفت‌وگوها در این مورد، در آن ضیافت خوب پیش نرفته است. ضمناً موضع رییس‌جمهوری نیز در این خصوص در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و معلوم نیست که وی از اصلاحات در نظام انتخاباتی حمایت می‌کند و یا مخالف آن است. پیش از این، شایه‌هایی وجود داشت مبنی بر این‌که ریاست‌جمهوری چندان تمایلی به وارد کردن اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور ندارد و می‌کوشد که این مسأله یا مسکوت باقی بماند و یا در جار و جنجال‌های مجلس به بی‌سرنوشتی محکوم شود.

برخی منابع در مجلس نماینده‌گان که نمی‌خواهند نامی از آن‌ها برده شود، می‌گویند که دلیل واکنش منفی نماینده‌گان نسبت به فرمان تقنینی رییس‌جمهوری از آن‌جا آب می‌خورد که به گفته آنان، میان ارگ و شماری از نماینده‌گان، نوعی معامله در این خصوص صورت گرفته است که بر مبنای آن، ریاست‌جمهوری زمینه برگشت دوباره این نماینده‌گان را در انتخابات بعدی پارلمانی فراهم می‌سازد. به گفته این منابع، این مسأله سبب شده که دیگر

نماینده‌گان هم در برابر فرمان تقنینی واکنش منفی نشان دهند و از تصویب آن در مجلس جلوگیری کنند. این مسایل اگر واقعا صحت داشته باشد که بعید هم به نظر نمی‌رسد، می‌تواند به چالش‌های بزرگ‌تری در کشور منتهی شود که شاید در حال حاضر ریاست‌جمهوری کشور از عمق آن‌ها بی‌اطلاع باشد.



تجربه دیگر کشورها نیز بر این نظریه صحه می‌گذارد و تاکید می‌کند که نظام‌های دیکتاتوری یک‌شبه در جهان به وجود نیامده‌اند، بل به صورت تدریجی اقدام‌هایی صورت گرفته که نظام را به سمت دیکتاتوری و استبداد فردی سوق داده است. اگر در افغانستان نیز انتخابات پارلمانی با بن‌بست مواجه شود، بدون شک نتایج خطرناکی را رقم خواهد زد. یکی از نخستین نتایج آن، عدم مشروعیت پارلمان فعلی خواهد بود که به هیچ صورت ممکن نیست آن را قانونیت بخشید.



بازی با مسأله انتخابات به عنوان یکی از حیاتی‌ترین شاخصه‌های نظام دموکراتیک در کشور می‌تواند فضا را به نفع تک‌محوری شدن قدرت و استبداد رای سوق دهد. کشورهایی که از ارزش‌های دموکراتیک در جهان عدول کرده‌اند، کم نبوده‌اند و تجربه نشان داده است که همیشه استبداد از مسایل کوچک آغاز شده

است. هیتلر دیکتاتور آلمان نیز در یک فرایند دموکراتیک قدرت سیاسی را به دست آورد، ولی از آن سوءاستفاده کرد و از نظام دموکراتیک آلمان، مخوف‌ترین دیکتاتوری قرن را پدید آورد.

تجربه دیگر کشورها نیز بر این نظریه صحه می‌گذارد و تاکید می‌کند که نظام‌های دیکتاتوری یک‌شبه در جهان به وجود نیامده‌اند، بل به صورت تدریجی اقدام‌هایی صورت گرفته که نظام را به سمت دیکتاتوری و استبداد فردی سوق داده است. اگر در افغانستان نیز انتخابات پارلمانی با بن‌بست مواجه شود، بدون شک نتایج خطرناکی را رقم خواهد زد. یکی از نخستین نتایج آن، عدم مشروعیت پارلمان فعلی خواهد بود که به هیچ صورت ممکن نیست آن را قانونیت بخشید.

همین حالا نیز با گذشت یک سال از معیاد قانونی و رسمی پارلمان فعلی، نسبت به مشروعیت آن نمی‌توان به ضرس قاطع نظر داد. بسیاری‌ها باور دارند که پارلمان فعلی مشروعیت خود را از دست داده و ادامه کار آن در خلای قانونی صورت می‌گیرد. رییس‌جمهوری هرچند تاکید دارد که در نتیجه انتخابات به این سمت دست یافته، ولی همه می‌دانند که جایگاه فعلی او را نه صندوق‌های رای، بل توافق‌نامه سیاسی تعیین کرده و مشروعیت بخشیده است.

رییس‌جمهوری در موقعیتی قرار ندارد که بتواند نسبت به ادامه کار دیگر قوای سه‌گانه تعیین تکلیف کند و یا با صادر کردن فرمان به آن‌ها مشروعیت قانونی ببخشد. در صورت عدم اجرایی شدن اصلاحات انتخاباتی، بدون شک انتخابات پارلمانی در کشور نیز برگزار نمی‌شود و این برای آینده کشور خطرناک می‌تواند باشد. در شرایطی که امنیت افغانستان به صورت کم‌سابقه متزلزل شده و چرخ اقتصاد به کندی می‌گردد، اگر نهادهای دموکراتیک نیز سلب مشروعیت شوند، بدون شک ابعاد تازه‌تری به بحران سیاسی موجود افزوده می‌شود که حتا تحمل آن نیز غیرممکن خواهد بود.

دولت گزینه دیگری در برابر، به جز برگزاری انتخابات سالم، شفاف و دموکراتیک ندارد. این آخرین سنگر دموکراسی را نباید از دست داد و یا از اعتبار ساقط کرد. آنچه که فعلاً صورت می‌گیرد، همه در جهت بی‌اعتبار ساختن میکائیزم‌های دموکراتیک در جامعه است که آن را به صورت فاجعه‌باری به سمت نظام

استراتژی امریکا در برابر پاکستان و طالبان

تغییر کرده است؟



پاکستان فشار وارد کرده تا از حمایت طالبان دست بردارد. همه این اقدامات نشان می‌دهد که امریکا از نزدیک شدن گروه طالبان با روسیه و ایران نگران است. ملا منصور رهبر پیشین طالبان با این دو کشور دید وادیدهایی داشته است. آقای امرخیل افزود: نگرانی امریکا این است که طالبان به ایران و روسیه نزدیک می‌شوند و با اسلحه به دست آورده از آن کشورها در برابر نیروهای امریکایی در افغانستان و منطقه می‌جنگند.

آقای امرخیل باور دارد که امریکا در برابر طالبان و پاکستان سیاست متناقض دارد. او می‌گوید: یک هفته پیش امریکا از حملات قاطعانه در برابر طالبان خبر داد؛ اما تا هنوز شاهد اقدام عملی این کار نیروهای خارجی در پهلوئی نیروهای امنیتی کشور نیستیم.

این کارشناس نظامی خاطر نشان کرد: دولت افغانستان توان مبارزه با دهشت‌افگنی را به تنهایی ندارد و کشیده‌گی‌های داخلی خود را اصلاح کرده نتوانسته، پس از مرگ ملا عمر چند دسته‌گی که در بین طالبان ایجاد شد، دولت افغانستان از آن استفاده کرده نتوانست بنا در حال حاضر نیز از چنددسته‌گی در بین طالبان نمی‌تواند استفاده کند.

او دولت مردان را متهم کرد که تا هنوز در بین خود زبان مشرک ملی پیدا نکرده‌اند و گفته که دولت افغانستان بسان طالبان به دودسته تقسیم شده، استفاده چنین فرصتی به یک حکومت مقتدر نیاز دارد که دولت فعلی چنان نیست.

از سویی دیگر صدیق صدیقی سخنگو وزارت داخله گفته که پس از کشته شدن ملا منصور وضعیت امنیتی منطقه و سیاست‌ها تغییر کرده است. فشارهای امریکا بالای پاکستان مبنی بر قطع حمایت از طالبان بیشتر شده و صلاحیت‌های بیشتر به نیروهای امریکایی از طرف قصر سپید داده میشود تا طالبان هدف قرار گیرند؛

او همچنان یاد آور شده که فرمانده عمومی ناتو و نیروهای امریکایی در افغانستان به پاکستان می‌رود و در دیدار با جنرال راحیل شریف بیان می‌دارد که یکبار دیگر فرصت است تا پاکستان میان این دو انتخاب کند، از حمایت طالبان دست بردارند؛ مراکز ترویج تروریسم را در پاکستان از بین ببرد، در غیر صورت ادامه سیاست‌های خصمانه پاکستان مبنی بر حمایت‌شان از طالبان به ضرر پاکستان تمام خواهد شد.

می‌دهند که در میدان مبارزه جدیت از خود نشان نداده‌اند. آقای ظهیر افزود: تنها کشته شدن اختر منصور رهبر گروه طالبان در پاکستان باعث تغییر سیاست امریکا در قبال پاکستان و طالبان نشده بلکه موضوعات دیگری وجود دارد که سیاست امریکا را متغیر ساخته است.

او گفت: فشار بر پاکستان باعث توقف حملات تروریستی گروه طالبان در افغانستان و تامین صلح در منطقه می‌شود و مراکز فعالیت مقامات بلند پایه طالبان در پاکستان از بین می‌رود، کاری که تا هنوز صورت نگرفته است.

او با بیان اینکه اگر فشارهای امریکا بر پاکستان در حد شعار و رسانه‌یی باشد مردم به آن باور نخواهند کرد و تغییری در سیاست پاکستان ایجاد نخواهد شد، می‌گوید: پاکستانی‌ها همواره سیاست دوگانه در برابر افغانستان بازی کرده‌اند، اما برای پاکستان روابط با کشورهای جهان به ویژه امریکا ارزنده است اگر فشارهای امریکا جدی باشد و پاکستان آن را در نظر نگیرد روابط این کشور با امریکا در معرض خطر قرار می‌گیرد.

این عضو مجلس نماینده‌گان تأکید کرد: پس از توقف فعالیت‌های تروریستی در پاکستان، به اساس روابط مخفیانه‌یی که پاکستان با گروه طالبان دارد، جغرافیایی را در افغانستان ایجاد و حملات تروریستی را سازمان دهی خواهد داد.

آقای ظهیر با استقبال از اقدام اخیر دولت امریکا مبنی به دادن صلاحیت بیشتر جنگی برای نیروهای این کشور در برابر طالبان در افغانستان، گفت: با آنکه نیروهای امنیتی کشور توانایی جنگ را در برابر طالبان دارند، اما کمک و حمایت نیروهای خارجی در جبهه‌های جنگ بیشتر موثر تمام می‌شود.

همچنان، جنرال عتیق الله امرخیل کار شناس امور نظامی می‌گوید: امریکا اخیراً ملا اختر منصور را کشت و بر

فعالیت گروه‌های تروریستی را محدود سازد. آنان با بیان اینکه امریکا در برابر طالبان و پاکستان سیاست متناقض دارد، می‌گویند که یک هفته پیش امریکا از حملات قاطعانه در برابر طالبان خبر داد؛ اما تا هنوز شاهد اقدام عملی برای این کار نیروهای امریکایی در پهلوئی نیروهای امنیتی کشور نیستیم.

این در حالی است که رییس جمهور امریکا صلاحیت‌های بیشتر به نیروهای تحت امر این کشور در افغانستان داده تا در برابر گروه تروریستی طالبان بجنگند و بالای پاکستان فشار وارد کرده است تا از حمایت گروه‌های تروریستی دست بردارد و مراکز فعالیت‌های تروریستی را در پاکستان از بین ببرد.

اما، ظهیر سعادت عضو مجلس نماینده‌گان در مصاحبه با روزنامه ماندگار می‌گوید: امریکا و کشورهای دیگر که در برابر تروریسم می‌جنگند، از فشار بالای پاکستان در حالی خبر

برخی تحلیلگران از نشانه‌های تغییر سیاست امریکا در قبال پاکستان و طالبان سخن می‌زنند.

آنان می‌گویند که نزدیکی طالبان با کشورهای منطقه استراتژی امریکا را در برابر این گروه و حامی بلامنازع‌شان تغییر داده است.

رییس جمهوری امریکا به نیروهای کشورش دستور داده که در جنگ بر ضد طالبان نیروهای امنیتی افغانستان را یاری رسانند.

پیش از این امریکا اعلام کرده بود که آنها به خاطر جنگ با طالبان به افغانستان نیامده‌اند و دشمن واشنگتن القاعده است، نه طالبان.

برخی از اعضای مجلس و آگاهان نظامی می‌گویند که برای پاکستان روابط با کشورهای جهان به ویژه امریکا ارزنده است و فشار امریکا بر این کشور باعث می‌شود تا دولت پاکستان مراکز دهشت‌افگنی را در این کشور از بین برده و

ناجیه نوری

برخورد نماینده‌گان با قانون تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی، از پیش توسط برخی حلقه‌ها و تحریک کمیشنران فعلی کمیسیون‌های انتخاباتی طرح و سازمان‌دهی شده بود.

یک عضو کمیته گزینش می‌گوید: برنامه اصلی جلسه عمومی شنبه هفته جاری مجلس نماینده‌گان این بود تا هرج و مرج ایجاد شود تا مانع تصویب فرمان تقنینی شود.

به گفته او: هشاد درصد نماینده‌گان مجلس خواهان برگزار نشدن انتخابات اند و برای رد قانون تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی بهانه‌جویی می‌کنند. این عضو کمیته گزینش تأکید کرد: نماینده‌گان به بهانه نفرستادن طرح تعدیل از سوی رییس‌جمهور وقت‌کشی می‌کنند تا انتخابات برگزار نشود.

اما نماینده‌گان مجلس حکومت را متهم کرده می‌گویند: ما همان بار اول که فرمان به مجلس فرستاده شده بود، خواهان فرستادن طرح تعدیل بودیم تا بتوانیم تصمیم درست بگیریم. آنان با انتقاد از حکومت تأکید دارند که در حقیقت حکومت خواهان برگزاری انتخابات نیست، اما توپ را به میدان پارلمان انداخته تا خود را تبرعه کند.

این واکنش‌ها پس از آن ابراز می‌شود که فرمان تقنینی رییس‌جمهور در خصوص قانون تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی که شنبه هفته روان جهت رای‌گیری به جلسه عمومی پارلمان آورده شده بود، با واکنش‌های مختلف مواجه شده و در نهایت جلسه بدون نتیجه پایان یافت.

نماینده‌گان پس از سه ساعت جلسه که با خشونت‌های لفظی نیز همراه بود، تصمیم گرفتند تا کمیسیون‌های پانزده گانه مجلس در خصوص یک مورد اختلافی این فرمان برای بارچهارم جلسه برگزار کنند.

اما نعیم ایوب‌زاده عضو کمیته گزینش، برخورد دیروز نماینده‌گان مجلس با فرمان تقنینی را از پیش طرح شده و سازمان یافته توسط برخی حلقه‌ها و تحریک کمیشنران فعلی کمیسیون‌های انتخاباتی می‌داند.

ایوب‌زاده ضمن اینکه برخورد دیروز نماینده‌گان را مایوس‌کننده می‌خواند می‌گوید: دراصل برنامه این بود تا هرج و مرج ایجاد شود تا مانع تصویب این فرمان شوند. او تأکید کرد: نماینده‌گان از ترس برگزاری انتخابات، به بهانه‌های مختلف در صدد عملی نشدن اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی اند.

به گفته او: هشاد درصد نماینده‌گان خواهان برگزار نشدن انتخابات اند و به همین دلیل مجلس دیروز را دچار تنش کردند تا این فرمان از تصویب باز بماند.

این عضو کمیته گزینش افزود: در حقیقت نماینده‌گان به بهانه اینکه طرح تعدیل فرستاده شود، در پی معامله با حکومت اند.

ایوب‌زاده خواستن طرح تعدیل از سوی نماینده‌گان را

یک عضو کمیته گزینش:

نماینده‌گان نمی‌خواهند انتخابات برگزار شود

نماینده‌گان مجلس:

حکومت اراده‌یی به برگزاری انتخابات ندارد

خواستار فرستادن طرح تعدیل از سوی رییس‌جمهور شده بودند.

آنان گفته بودند که اصلاحات وارده بسنده نیست و حکومت باید طرح قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی را به جای این فرمان به مجلس بفرستد.

نماینده تأکید داشتند که این فرمان نیاز به تعدیلات دارد و بر بنیاد اصول مجلس حق ندارد، در فرامین تقنینی تعدیلات وارد کند؛ بنابراین حکومت باید به جای فرمان، طرح قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی را به مجلس بفرستد تا در آن نظریات مختلف گنجانیده شود.

و اما آگاهان سیاسی و حقوق‌دانان نماینده‌گان را متهم به وقت‌کشی کرده می‌گویند: نماینده‌گان به خاطر حفظ چوکی پارلمان بهانه‌جویی می‌کنند.

آنان می‌گویند: نماینده‌گان حق ندارند رییس‌جمهور را به خاطر نفرستادن طرح تعدیل انتقاد کنند و یا به بهانه طرح تعدیل فرمان را رد کنند.

به گفته آنان: فرستادن طرح تعدیل از صلاحیت‌های رییس‌جمهور نیست و رییس‌جمهور طبق صلاحیت خود موارد تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی را در قالب فرمان به مجلس فرستاده است.

این درحالی‌ست که اگر فرمان تقنینی در خصوص تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی که بیش از دو ماه بدون سرنوشت در کمیسیون‌های پانزده‌گانه مجلس سرگردان است، از سوی مجلس تصویب شود، زمینه را برای آغاز کار کمیته گزینش فراهم می‌کند.

کمیته گزینش، وظیفه دارد تا کمیشنران جدید را برای کمیسیون‌های انتخاباتی گزینش و به رییس‌جمهور پیشنهاد کند.

کمیته گزینش چند ماه پیش تشکیل شد؛ اما نسبت خلاهای قانونی (تصویب نشدن فرمان تقنینی رییس‌جمهور در مورد قانون تشکیل وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی از سوی مجلس) نمی‌تواند به کارش آغاز کند.

حکومت وحدت ملی براساس توافقنامه سیاسی تشکیل خود، در اصلاح نظام انتخاباتی مکلف شده است؛ اما پس از گذشت حدود دو سال هنوز هم روند اصلاحات در این کمیسیون‌ها متوقف است.



محسنی رد شدن باور اول این فرمان را هم همین مساله دانسته گفت: همان بار اول که این فرمان رد شد، نماینده‌گان خواهان فرستادن طرح تعدیل بودند تا بتوانیم روی آن بهتر کار کنیم.

این عضو مجلس گفت: اما نکته اساسی اینکه این فرمان باید قبل از رفتن به کمیسیون‌های، داخل اجندا شده و به رای‌گیری گذاشته می‌شد، بعداً شامل پروسه کاری کمیسیون‌ها می‌شد که متاسفانه چنین نشد.

او تأکید کرد: اما اکنون حکومت باید طرح تعدیل را بفرستد تا مجلس بتواند روی آن کار کند و اگر طرح تعدیل فرستاده شود، دیگر نماینده‌گان نمی‌توانند بهانه‌جویی کنند.

او حکومت را متهم به برگزار نکردن انتخابات کرده می‌گوید: درحقیقت حکومت نمی‌خواهد انتخابات برگزار شود، اما به بهانه فرستادن فرمان، «توپ انتخابات» را به میدان پارلمان انداخته تا بار ملامتی را به دوش نماینده‌گان بی‌اندازد. این درحالیست که پیش از این نیز نماینده‌گان در مجلس

بهانه‌جویی آنان برای عدم تصویب این فرمان دانسته گفت: خواستن طرح تعدیل یک بهانه است، زیرا حکومت مطابق ماده ۷۹ قانون اساسی عمل کرده است.

ماده هفتاد و نهم: حکومت می‌تواند در حالت تعطیل ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند

فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس‌جمهور حکم قانون را حایز می‌شود. فرامین تقنینی باید در خلال سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود و در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از اعتبار ساقط می‌گردد.

اما محمد عظیم محسنی عضو مجلس نماینده‌گان می‌گوید: فرمان در مغایرت با قانون اساسی قرار دارد، زیرا فرمان باید طی سی روز فرستاد می‌شد، اما پس از شش روز فرستاده شده بود.

بخش سوم و پایانی

مشکلات و نویدهای تکنولوژی نوین

نویسنده: پاتریک مونی

هایدگر می‌گوید که اساساً تکنولوژی نه تنها یک وسیله برای رسیدن به یک هدف است، بلکه این وسیله و هدف، به روشی پیچیده بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و با هم تعامل دارند. ما تکنولوژی را می‌آفرینیم، تکنولوژی نیز ما را می‌آفریند. او این پروسه را قالب‌گیری می‌نامد و این یکی از راه‌های آشکارسازی ژرف طبیعت امور است. از نظر هایدگر، خطر محوری تکنولوژی این است که نه تنها ما رشد می‌کنیم تا خودمان را به همان طریقی ادراک کنیم که اکنون منابع خود را ادراک می‌کنیم - به عنوان چیزهایی حاضر و آماده در انتظار اینکه به آن‌ها نیاز پیدا شود - اما این روش علمی را به طریقی دیگر مشاهده کنیم. هایدگر می‌گوید که نهایتاً ممکن است، ما برای تکنولوژی نگاه به امور قالب‌گیری، مانع از آن خواهد شد که ما این امور را به طریقی دیگر مشاهده کنیم.

هایدگر می‌گوید که نهایتاً ممکن است، ما برای تکنولوژی تبدیل به یک چیزی شویم که خود تکنولوژی باعث شده، جهان طبیعی به آن چیز برای مان تبدیل شود: مجموعه‌یی از منابع که قابل مصرف و در انتظار مصرف شدن هستند. ممکن است در نهایت، تکنولوژی این توانایی را از ما سلب کند که خود درونی‌مان را

آشکار کنیم و چیزی شویم که قابلیت تبدیل شدن به آن را داریم. امکان دارد، ما توانایی تعیین آینده خود و تأثیر گذاشتن بر سرنوشت خود را از دست بدهیم. از این منظر، شایان ذکر است که مشکلات مورد اشاره باشگاه آزادی در «جامعه صنعتی و آینده آن» و توسط هایدگر در «مساله‌یی در خصوص تکنولوژی» به طور کامل با هم فرق ندارند. آن‌ها جنبه‌هایی متفاوت از مشکلاتی مشابه با هم هستند و هر مشکلی را می‌توان از لحاظ بیانی، به زبانی توضیح داد که در مشکل دیگر به کار گرفته شده است، اگرچه با این کار، برخی از ویژه‌گی‌های هر یک از این تعاریف از دست می‌رود. «برده‌گی جان» که طبق تعریف باشگاه آزادی از طریق از دست رفتن انسان و دست‌کاری در روان او رخ می‌دهد را می‌توان با اصطلاح قالب‌گیری نیز توصیف کرد. برعکس، قالب‌گیری را می‌توان در عبارت از دست دادن آزادی که باشگاه آزادی توصیف می‌کند، توضیح داد. هر دو مشکل به جای این‌که از هم جدا باشند، انعکاسی از یکدیگر هستند. من راه‌حل هایدگر را مورد بررسی قرار خواهم داد، چون درک او از مشکل غنی‌تر و عمیق‌تر از باشگاه آزادی است و راه‌حل او در استفاده از معیارهای مختلف، مطلوب‌تر است. این راه‌حل عملی‌تر و محتمل‌تر به نظر

می‌رسد و به ما اجازه خواهد داد تا خود را از شر بسیاری از مشکلات ملایم با تکنولوژی خلاص کنیم و در عین حال، این امکان را به ما می‌دهد تا از مزایای آن بهره‌مند شویم.

از نظر هایدگر، هنر قادر به نجات ماست، چون هنر یک حس وسیع است و از همان منشایی سرچشمه می‌گیرد که تکنولوژی می‌گیرد و ما را قالب‌گیری می‌کند. واژه هنر می‌تواند بسیاری از معانی را در خود داشته باشد و یکی از تعاریف این واژه، آن‌طور که لغت‌نامه من می‌گوید، این است: «یک سیستم از اصول و شیوه‌های به کار گرفته شده در جهت اجرای یک مجموعه از فعالیت‌ها». از این نظر، تکنولوژی یک شکل هنری محسوب می‌شود. ممکن است گفته شود که تکنولوژی از جهت کاربست یک سیستم از اصول، یک هنر محسوب نمی‌شود که فی‌المثل ادبیات یا نقاشی می‌شوند. تکنولوژی در ذیل یکی از تعاریف لغت‌نامه من جای می‌گیرد، در حالی که ادبیات و نقاشی شامل تعاریف دیگری نیز می‌شوند. روشن است یا دست‌کم روشن به نظر می‌رسد که این دو تعریف با هم فرق دارند. با این حال، از نظر هایدگر، تاکنون هیچ تعریفی از یک کلمه، جدای از هر یک از دیگر تعاریف آن واژه وجود نداشته است. کلمه‌یی که به کلی از منشا و تاریخ خود جدا باشد نیز وجود ندارد. بنابراین به نظر هایدگر، تکنولوژی شکل دیگری از هنر است که از نیازهای موجود در وجدان انسان سرچشمه می‌گیرد؛ شبیه به همان نیازهایی که شعر و موسیقی از آن‌ها سرچشمه می‌گیرند. به علاوه، هم تکنولوژی و هم هنرهای زیبا، ذاتی واژه هنر هستند؛ هر دو عناصر متفاوت یک چیز به شمار می‌روند.

از منظر هایدگر، این حقیقت دارد که گسترش سیطره تکنولوژی بر بشر، دربردارنده گسترش جوهر تکنولوژی که همان قالب‌گیری باشد نیز هست. با این حال، چون تکنولوژی و هنرهای زیبا هر دو عناصر هنر به شمار می‌روند، گسترش قالب‌گیری (که جوهر تکنولوژی است) نیز دربردارنده گسترش چیزی است که قادر به نجات ما از قالب‌گیری هست؛ یعنی هنرهای زیبا. در این صورت، پرسش مهم‌تری که مطرح می‌شود این است که گسترش قالب‌گیری چه‌گونه امکان‌رهایی از قالب‌گیری را در شکل هنرهای زیبا به ما می‌دهد. در مرکز این پرسش حساس، این موضوع نهفته است که «قدرت نجات‌بخش» چه‌گونه با قالب‌گیری افزایش می‌یابد. صرفاً چیزی نیست که ما از آن استفاده می‌کنیم یا چیزی که ما می‌آفرینیم. تکنولوژی چیزی است که از ما بهره‌برداری می‌کند و ما را می‌آفریند. دیدن تکنولوژی صرفاً به عنوان ابزار، خطر قالب‌گیری را از چشم ما می‌پوشاند.

منبع: www.thecourier.com



بخش سوم و پایانی



با هم بودن کنار سفره افشار

آوید طالبیان

وعده غذایی شب از جمله وعده‌های غذایی بی‌محسوب می‌شود که بیش‌تر از هر زمان دیگری اعضای خانواده کنار هم هستند. بر همین اساس، توصیه می‌شود اعضای خانواده در زمان صرف غذای شب یا ساعتی پس از آن، به بهانه نوشیدن چای یا خوردن میوه خشک کنار هم باشند و از مسایلی روزانه خود صحبت کنند تا به این ترتیب، دغدغه‌ها و مسایلی هر کدام از اعضای خانواده، مشخص شود و مسایلی و مشکلات پنهان نماند.

خانواده در میان غذاخوردن؛ تبادل اطلاعات می‌کنند، از وضع هم باخبر می‌شوند، در مورد مشکلات صحبت، مشورت و نظرخواهی می‌کنند، به یکدیگر توجه و محبت می‌کنند و به طور کلی لحظاتی در کنار هم، خانواده بودن را تجربه می‌کنند. در واقع غذاخوردن خانواده‌گی، زمینه‌یی برای برقراری ارتباط عاطفی و صحیح بین اعضای خانواده فراهم می‌کند.

وقتی فاصله‌ها زیاد می‌شود

وقتی تعامل و گفت‌وگو در خانواده‌ها کاهش می‌یابد، فاصله بین اعضای خانواده‌ها بیش‌تر خواهد شد و کم‌کم وضع به شکلی پیش خواهد رفت که اعضای خانواده به‌خصوص والدین احساس می‌کنند حرف یکدیگر را متوجه نمی‌شوند؛ چون تعامل مناسبی بین آن‌ها وجود ندارد.

در واقع وقتی تعامل در زنده‌گی کم می‌شود، زنده‌گی‌ها شکل انزوگونه‌یی به خود می‌گیرد و خانواده‌ها فرصت خوب دیدن نکات مثبت را ندارند و نکات منفی زنده‌گی را هم بدون دلیل برجسته می‌کنند.

در خانواده‌هایی که گفت‌وگو و تعامل کم است، مادران به مرور دچار افسرده‌گی می‌شوند و پدران به سمت پرخاش‌گری پیش می‌روند و فرزندان نیز به مسایلی متفرقه و کاذب پناه می‌آورند. در چنین خانواده‌یی، مشکلات بیش‌تر می‌شود و خانواده کارکرد خود را از دست می‌دهد.

پدر، مادر، شما مسوول هستید

از آن‌جا که الگوی فرزندان، والدین محسوب می‌شوند؛ بنابراین نقش آن‌ها در ایجاد فضای مثبت و دوستانه بسیار مهم است.

اگر والدین تمایل دارند که فرزندان‌شان با آن‌ها دوست بوده و مسایلی‌شان را با آن‌ها در میان بگذارند، باید در این زمینه الگو باشند و خودشان در عمل به گفت‌وگو و دوستانه برخورد کردن، اعتقاد داشته باشند.

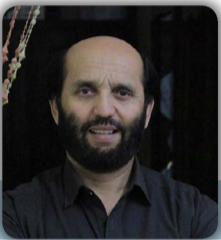
والدینی که خود نسبت به تعامل و روابط مثبت بی‌تفاوت هستند، نمی‌توانند توقع داشته باشند که فرزندان آن‌ها الگویی غیر از این را برگزینند.

زنده‌گی سالم زمانی ممکن است که فرهنگ گفت‌وگو و دوستی در خانواده‌ها شکل بگیرد. خانواده سالم نیز خانواده‌یی است که اعضای آن از نظر عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و جمعی رشد می‌کنند و با کمک یکدیگر به سوی اهداف اساسی گام برمی‌دارند.

در چنین خانواده‌یی؛ پدر و مادر در کنار فرزندان خود مسایلی و مشکلات زنده‌گی را بررسی می‌کنند، نقاط قوت یکدیگر را می‌شناسند و برای برطرف کردن نقاط ضعف برنامه‌ریزی می‌کنند تا بهبود کیفیت در زنده‌گی آنان ایجاد شود.



روایت گرسرگردانی‌ها خاک و خاکستر



رحمت الله بیگانه

بچه‌اش را عسکری بردند، عسکری را خلاص کرد باید میامد خانه، کار و بار پدر خوده پیش می‌برد، مگم اتو نشد، بچه تفنگ و معاش و دریشی عسکری خوشش آمد، نمی‌فهمم ضابط ماشینی شد، پدرش خوشش نامد، بچه خوده عاق کرد، مادرش از غم و غصه زیاد زهره کفک شد و مرد ...»

– سرگردانی جوانمرد و پیرمرد در دایره بسته و منطقیه مشخص که تنها پیرمرد از آن به‌سختی عبور کرد، به باور من عیب دیگر این فلم بود.

– کار دیگری که به باور من آنقدر جالب نبود، حرف دریور کاماز بود. دریور به پیرمرد می‌گوید، اگر مانده استی یک چشم خواب کن. هیچ نیازی به این دیالوگ نبود.

– فلم جلوه‌های ضعیف دیگر هم داشت. دریور هنگام پایین شدن از موتر، به پیرمرد می‌گوید که «پرو از امر معدن پرسیان کن». اما نیاز به گفتن این حرف نبود، اصلاً چرا پیرمرد این‌جا آمده بود؟ واضح است که به‌خاطر پالیدن پسر خود و این گپ کاملاً اضافه بود!

– موضوع دیگری که رابطه محکم با این فلم نداشت، نشر آهنگی بی‌مورد در اخیر فلم بود. به باور من، این آهنگ با فلم پیوند خوب نداشت: «او یار کدت کار دارم، یک لحظه گفتار دارم، یک زمان پیشم بشین، گله بسیار دارم، گله بسیار...». اما می‌شد پایان فلم را با آهنگ تراژدی دیگری زیبا ساخت که با صحنه‌ها همخوانی می‌داشت.

یادداشت: قرار اطلاع، پیرمرد حالا در این دنیا نیست، وی خود را در این فلم ماندگار کرد و رفت. اما همایون پاییز، پدر جوانمرد پاییز گفت: جوانمرد حالا هفده سال دارد و متعلم صنف اول یکی از دانشگاه‌های خصوصی است. جوانمرد از بازیگری در فلم‌ها مأیوس و دلگیر است. به قول همایون پاییز، جوانمرد که در این فلم از بین ده‌ها طفل همسن و سالش انتخاب شده بود، به‌خاطر کم‌مهری‌ها و بی‌لطفی‌های روزگار، از تمثیل و بازیگری کاملاً بد برده و از سینما نفرت پیدا کرده است. جوانمرد با استعداد عجیبی که داشت، در جشنواره «کن» که از بااعتبارترین جشنواره‌هایی سینمایی دنیاست، شرکت کرد و فلم خاک و خاکستر در این جشنواره بیش از بیست جایزه بین‌المللی را گرفت.

معدن در این فلم کنایه از سرمایه و امکانات افغانستان است که ما در آن زنده‌گی می‌کنیم اما غم روزگار، سرمایه‌ها و امکانات معدن را از یاد ما برده است.

نماز خواندن قاتل که دو سرباز مسلح او را همراهی می‌کنند، گوشه دیگری از واقعات نادر افغانستان است؛ یعنی عبادت ما به درد زنده‌گی ما نمی‌خورد. ناشنوائی طفل، کنایه از بی‌خبری و نشنیدن تاریخ گذشته و جفاهای انجام‌شده در حق مردم را دارد.

در این فلم جوانمرد همه آدم‌ها را بی‌صدا می‌پندارد، بی‌صدایی به معنای خاموشی، عدم اعتراض و نخواستن حق و پذیرفتن ظلم است. بی‌صدایی یعنی قبول و پذیرفتن هرگونه بی‌عدالتی و استبداد. وقتی سرباز حق‌العبور، از خرابی ساعت خود می‌گوید، در حقیقت بی‌ارزش بودن زمان، یکنواختی روزها و بی‌کاری و بی‌روزگاری آدم‌ها را نشانه می‌گیرد. این فلم حکایت‌گر و روایت‌گر سرگردانی‌ها، غم‌ها و نابسامانی‌های جامعه افغانی است که با صحنه‌های خیلی جالب و تصویربرداری مسلکی و زیبا آدم را به خود می‌کشاند.

بازیگران اصلی این صحنه‌ها همان جوانمرد پاییز و پیرمرد، با نقش‌آفرینی محضر به خود، به زیبایی‌ها می‌افزایند و آن‌ها واقعاً بازی خوب و استثنایی دارند. اما با این همه زیبایی و پیام‌های جالب و ماندگار، به باور من، فلم خاک و خاکستر، کوتاهی‌های اندکی نیز دارد: – در اولین صحنه به‌اصطلاح فلم‌سازان، کانتیتی یا همان هماهنگ بودن صحنه‌ها را کارگردان فراموش می‌کند؛ در شات اول پیرمرد در کنار راست پل نشسته اما در همان شات بعد از دمه و خاکباد، دیده می‌شود که در عین جا در همان گونه نقشه و شعار، در قسمت چپ پل دیده می‌شود. این صحنه آدم را گیج می‌کند. – در صحنه دیگری پیوسته طفل از پدر خود در جریان راه آب می‌خواهد، اما وقتی ولی تلاش (دکاندار) به پیرمرد آب ناخواسته را پیش می‌کند، در حالی که باید پیرمرد از دکاندار آب می‌خواست و به نواسه‌اش می‌داد، به عوض این‌که آب را به نواسه خود تعارف کند، خودش آن را نوش جان می‌کند.

– به باور من، بخش قابل دقت دیگر این فلم، دیالوگی بود که کارگردان به ولی تلاش داده بود. هنرپیشه خوب کشور؛ ولی تلاش آن را به زیبایی ادا کرده است، اما به باور من چیزی اضافی بود که باید نمی‌بود: «در کابل یک آدم با رسوخه می‌شناختم، یک بچه داشت،

می‌کنند: «دهقان به مه گندم داد، گندمه به آسیابان دادم، آسیابان به مه آرد داد...».

نقش همایون پاییز به جای دیوانه، یکی از نقش‌ها و پرده‌های استثنایی بازیگری در این فلم است. مردم سرگردان، آدم‌های معیوب، گورستان، دیوانه و شهر در گرفته؛ تصویرهای غم‌انگیز این مصیبت‌آباد است. در جا جای فلم، هنرپیشه‌ها با سکوت و خاموشی صحنه را می‌آرایند. این شهر مصیبت‌زده، مردان بی‌درد و بی‌غمی هم دارد که به جای تصمیم گرفتن برای تغییر سرنوشت، به خانقاه می‌روند و تنها راه ذکر و تسبیح را پیش گرفته‌اند، در حالی که در آن‌سوی خانقاه، دختری بی‌سیرت می‌شود، برهنه خود را به آتش می‌زند و شهری در تجاوز و بی‌تفاوتی می‌سوزد!

در خاک و خاکستر، همه‌جا قصه از درد و مرگ است؛ درد و غم چون سایه و تاریکی شب، بر همه جا چیره شده است. گورستان، جنازه، گنگ، کر، مرده، بمبارد، دیوانه و ویرانی، صحنه‌های دیگری است که توجه بیننده را به خود جلب می‌کند. تصویربرداری به حدی زیبا و عالی است که آدم فکر می‌کند خود در صحنه فلم حضور دارد. صداها، افکت‌ها و موزیک، همچنان خیلی طبیعی و عالی است.

در فلم خاک و خاکستر، تصویر آدم‌های فرصت‌طلب خیلی زیبا به نمایش گذاشته شده؛ آدم‌ها حیواناتی را که مابین زخمی‌شان می‌سازد، کشته و قصابی می‌کنند. این صحنه نشان می‌دهد که جنگ با وجود زشتی و ویرانی، برای تعدادی آدم‌ها، سودآور و منفعت‌آفرین است.

پشت کردن جوانمرد در یکی از صحنه‌ها توسط پیرمرد، تصویر دیگری است که به باور من کنایه از حمایت بزرگان دارد.

پُل کانکریتی ویران و شکسته نیز حکایت از روزگار گذشته باثبات دارد. پُل، پیوندهای خوب این سرزمین را نشان می‌دهد که گذشت زمان و آسیب‌های روزگار، آن را از کار اصلی‌اش باز نمانده است.

نمادها خیلی غم‌انگیز و سمبولیک‌اند؛ تانک‌های سوخته و ویران، شعارهای انقلابی، خرابی و بی‌امکاناتی، بخش‌های دیگری است که در این فلم به آن‌ها پرداخته شده است. صحنه گفت‌وگوی جوانمرد ناشنوا با دخترک نوجوان گدا در پهلوی پل، حکایت از نشنیدن گپ یکدیگر دارد. هر کسی حرف خود را می‌گوید اما کسی شنونده نیست، حرف دیگر شنیده نمی‌شود.

من منتقد حرفه‌ی سینما نیستم، اما یقیناً مخاطب جدی آن به شمار می‌روم. از منتقدان حرفه‌ی و چیزفهم عذر می‌خواهم و به‌تأکید می‌گویم: این یادداشت برداشت‌های یک مخاطب سینما است، نه یک منتقد حرفه‌ی! ***

خاک و خاکستر، فلم جذاب و جالبی است با کارگردانی عتیق رحیمی و بازیگری دو هنرپیشه موفق: جوانمرد پاییز و پیرمرد روستایی، و دیگر هنرپیشه‌های خوب. این فیلم ده سال قبل ساخته شده، اما من آن را تازه دیده‌ام. این فلم صحنه‌های رنج بی‌کران و بزرگ مردم افغانستان را به نمایش می‌گذارد. کارگردان این فلم هنری و زیبا، هنرمندانه صحنه‌ها را می‌آراید و به تصویر می‌کشد. زمین‌های خشک، بایر و بی‌آب و علف، چهره‌های غم‌زده پیر و فرتوت، فقر، هوا و فضای دل‌زده، همه صحنه‌های زیبای این فلم‌اند. صحنه‌ها جالب و عجیب‌اند؛ طفل ناشنوا، شهر بدون امکانات انسانی، اقتصاد ویران، سرگردانی مردم در این جغرافیای خاک‌آلود، همه با هنرنمایی پیرمرد و نواسه باهنرش، به تصویر می‌رود. معدن در این فلم، کنایه از امکانات خفته در دل این سرزمین است که با بی‌اسبایی، همچنان در اعماق خاک مانده است، اما یگانه امید برای زنده‌گی است.

تصویرگری در صحنه‌های مختلف این فلم، تحسین‌برانگیز است، از همه مهم‌تر، بازی جوانمرد پاییز و پیرمرد که شخصیت‌های اصلی این داستان‌اند، به زیبایی صحنه‌ها می‌افزاید. صحنه‌ها سمبول‌های مستعاری‌اند که به ذهن بیننده تیزهوش می‌تواند برداشت‌های مختلفی را ارایه کند.

فلم خاک و خاکستر، با خاک آغاز می‌شود، با خاکستر به اوج می‌رسد و با غم و رنج به پایان می‌رسد. خاک و خاکستر، تصویر واقعی ملت‌ها را نشان می‌دهد که حاکمان عیاش و بی‌خرد این سرزمین، از بی‌خبری و غفلت آن‌ها سود برده‌اند. پُل شکسته، دکان قدیمی، زمین خاره، اتاق‌های محقر و ابتدایی، فضای خشک خاک‌آلود و دلگیر، صحنه‌های اصلی زنده‌گی مردم را به تصویر می‌کشد.

دهکده و شهری را که خاک و خاکستر تصویر می‌دهد؛ ویرانی، دربه‌دردی، خون، مرگ و جنایت است. روزگار مردم این شهر در پیدا کردن لقمه‌نانی می‌گذرد و آن‌هم بدون رنج میسر نیست. باشندگان در این جغرافیا، گندم خواب می‌بینند و مردان پیر، در خلوت خود چیستان آرد و گندم و آسیا را ناخودآگاه زمزمه



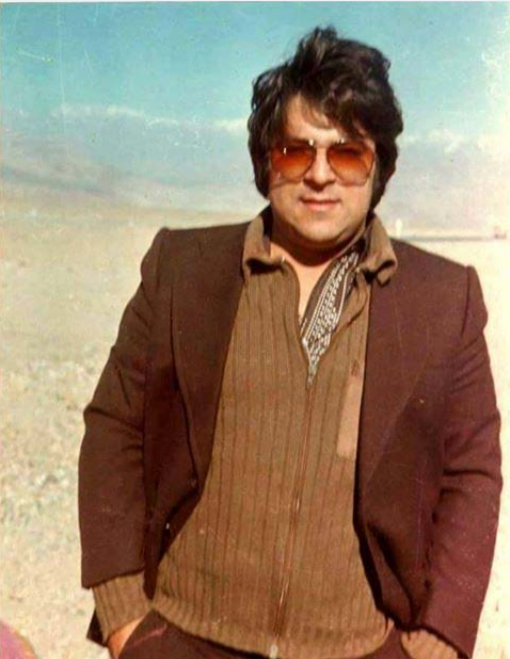
طالبان فردی را در غور زنده پوست کردند



بر اساس یک گزارش تازه، مردی به نام فضل احمد توسط شورشیان وابسته به گروه طالبان در ولایت غور پس از شکنجه‌های سخت، زنده پوست گردید. این گزارش را که روزنامه واشنگتن پست چاپ آمریکا روز شنبه ۱۱ جون به نشر رسانده، به نقل از مقامات محلی ولایت غور نوشته است که یکی از نزدیکان فضل احمد، مظنون به قتل یکی از فرماندهان طالبان بوده است. شورشیان طالب در اقدام انتقام‌جویانه در ماه دسمبر سال گذشته میلادی فضل احمد را از خانه‌اش به زور بیرون کشیده و بینی او را بریده است. بر اساس این گزارش، در حالی که احمد پس از بریده شدن بینی‌اش داد و فریاد می‌کشیده، شورشیان به پوست کردن او از ناحیه سینه‌اش آغاز کرده تا اینکه قلب او نیز نمایان شده است. سپس این شورشیان فضل احمد را از صخره‌ای که به اندازه ۱۰ طبقه ارتفاع داشته است به پایین انداخته‌اند. رقیه نایل، یکی از اعضای پارلمان ولایت غور نیز به این روزنامه آمریکایی تایید کرده که احمد زنده پوست شده است.

پس از اینکه اخیراً این رویداد با عکس و ویدیو مستند سازی شده است، طالبان اشتراک شان را در این جنایت هولناک رد کرده است. روزنامه واشنگتن پست در تیر گزارش‌اش با طرح پرسشی گفته است که خشونت‌های طالبان در ماه‌های اخیر چهره‌ خشن‌تری به خود گرفته است.

مرثیه‌ی برای احمدظاهر که پس از ۳۷ سال نشر می‌شود



طالبان اخیراً شمار زیادی از مسافران را در نقاط مختلف کشور به ظن همکاری با دولت از موترهای مسافربری اختطاف و سپس تعدادی از آنها را با روش بسیار هولناکی زجر کش کرده‌اند. این گروه پس از اجرائی شدن حکم اعدام شش تن از شورشیان توسط دولت افغانستان، به چندین نهاد قضایی کشور حمله کردند و تعدادی زیادی را به رگبار بستند. محمد اشرف غنی، رئیس جمهور کشور هفته گذشته طی یک کنفرانس به خبرنگاران گفت: «آمار تلفات و به خصوص آمار تلفات ملکی نشان‌دهنده یک جنایت است - جنایت علیه بشریت، جنایت علیه افغانستان و جنایت علیه مردم ما». خشونت‌های خشن چیزی جدیدی در کشور نیست. طالبان در زمان حاکمیت شان در دهه ۱۹۹۰ با روش‌های خشنی حکم اعدام را به صورت علنی و در ملا عام اجرا می‌کردند. این گروه در جریان جنگ‌های شورشان‌های شان در ۱۵ سال گذشته نیز ده‌ها هزار تن را به قتل رسانده‌اند.

مشاور امنیت ملی هند ادامه داد: در پشت‌پرده بسیاری از جریان‌های تروریستی که در منطقه فعالیت می‌کنند، سازمان اطلاعاتی پاکستان (آی اس آی) دست دارد و گروه تروریستی داعش در افغانستان نیز از سوی این سازمان حمایت و بشدت علیه منافع هند در افغانستان تحریک می‌شوند. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که چندی پیش برخی از مقامات پاکستانی نیز هند را حامی گروه تروریستی داعش در افغانستان اعلام کرده بودند. افراد وابسته به گروه تروریستی داعش بیش از یک سال پیش در برخی از مناطق دورافتاده ولایت ننگرهار اعلم موجودیت کردند. در همان ابتدای حضور این گروه تروریستی، طالبان افغانستان واکنش نشان دادند و هشدار دادند که این گروه هرچه زودتر منطقه را ترک کند. گروه طالبان با افراد وابسته به گروه تروریستی داعش در چند ولایت افغانستان بارها درگیر شده‌اند.

صفی‌الله ثبات
احمدظاهر پسر مرحوم دکتر عبدالظاهر، صدراعظم وقت و رئیس شورای کشور بود؛ ولی از پدرش هیچ نام و نشانی به یادگار نمانده است که زبانه‌زد خاص و عام گردد؛ اما یگانه یادگاری که از پدر باقی مانده، تنها احمدظاهر است و بس.

در ۲۴ جوزای ۱۳۵۸ احمدظاهر، این آوازخوان و آهنگ‌ساز بی‌بدیل را - که تا کنون در دل‌ها حکومت می‌راند و نوازشگر دل‌های هزاران هزاران انسان است - با ضرب گلوله به‌طور ناجوان‌مردانه در دره سالنگ به قتل رساندند و نام این قتل را «حادثه ترافیکی» گذاشتند.

اعضای این درخیمان بیدادگر بعد از قتل احمدظاهر، یکی پی دیگری نابود شدند و نه قبری از آنها به‌جا ماند و نه قبرستانی. ولی خوشا به حال احمدظاهر که از وی مقبره‌ی باقی‌ست و در ۲۴ جوزا همه‌ساله مردم به دعاگویی به مزارش می‌روند و از خداوند متعال برای او طلب مغفرت می‌کنند.

من که از جمله دوستان نزدیک او بودم، بعد از به خاک سپردنش به‌گفته خود احمدظاهر «می‌روم خسته و افسرده و زار - سوی منزلگه ویرانه خویش»، آمدم و شب‌هنگام این شعر را در سوگ وی سرودم و اکنون آن را بعد از سی‌وهفت سال از حافظه‌ام به روی ورق آورده و به عنوان تحفه به خواننده‌گان روزنامه ماندگار تقدیم می‌کنم:

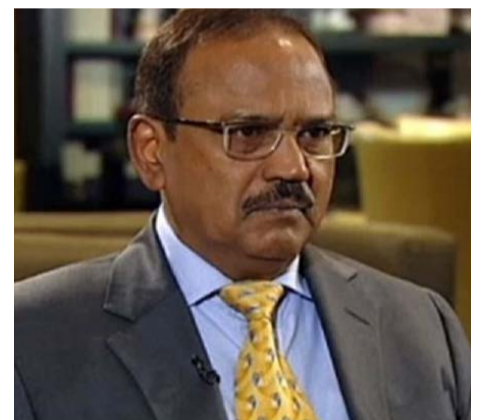
ظاهر تو مرا به خون نشاندی
زان روز که تو دیده بستی
یادت نرود ز خاطر ما
قلب همه دوستان شکستی
در ساختن سرود و آهنگ
دست همه‌گان ز پشت بستی
آهنگ تو آهنگ شبانم
جان می‌دهدم به وقت مستی
«ثبات» مبر ز یاد «ظاهر»
چون تو ز همه هنرپرستی

۲۵ جوزای ۱۳۵۸، کابل - شهر نو

مشاور امنیت ملی هند:

در پشت داعش در افغانستان آی اس آی است

مشاور امنیت ملی هند اعلام کرد که گروه تروریستی داعش در افغانستان تاسیسات هند را در این کشور تهدید می‌کند زیرا احتمال حمایت این گروه توسط پاکستان وجود دارد. به گزارش ایشین ایچ، آجیت دوال مشاور امنیت ملی هند گفت: داعش در افغانستان تاسیسات هند را تهدید می‌کند. دوال که با هیأت اعزامی نازندرا مودی راهی واشنگتن شده است، ضمن گفت‌وگو با مقامات آمریکایی افزود: افراد منتسب به گروه تروریستی داعش در افغانستان از سوی سازمان‌های اطلاعاتی پاکستان حمایت می‌شوند، به همین دلیل احتمال تهدید مراکز وابسته به هند افزایش یافته است.



من پریت هورا:

هند د نگونو په وړاندې د افغانستان تر څنگ درېری



په افغانستان کې د هند سفیر خبرداری ورکوي چې افغانستان د سولې ثبات، اقتصادي پرمختګ او امنیت د ټینګښت په لاره کې له ګواښونو څخه خوندي نه دی. د هند سفیر من پریت هورا له مشرانو جرګې څخه د ستاینلیک د ترلاسه کولو پرمهال وویل، نوي ډېلی حاضر دی چې د دې ستونزې په اوارولو کې، له افغانانو سره مرستې جاري وساتي. په افغانستان کې د هند سفیر وايي، هېواد یې له افغانستان سره تلپاتې دوستي پالي او د هر ډول ګواښ پر وړاندې به، د افغانانو ترڅنګ ولاړ وي. من پریت هورا وايي، افغانستان چې د سولې، امنیت او اقتصادي ودې په لار کې هر پل اخلي، له ستونزو سره مخ کېږي. دی ټینګار کوي چې هندوستان به خپل دوست هېواد افغانستان، د دې ګواښونو پر وړاندې یوازې پرې نه ږدي.

په لړ کې دا وړاندیزلرو چې د کونړ د سیند بند چې ټول افغانستان ته به ګټه ورسوي که جوړ شي، ښه به وي، نریندرا مودي د امریکا په کنگرس کې ژمنه کړې چې هند به د افغانستان د بندونو د جوړولو له پروژو سره مرسته وکړي، که دا پروژې عملي شي افغانستان دا توان مومي چې خپلې نورو هیوادونو ته هم برېښنا ورکړي. د هند سفیر من پریت هورا په داسې حال کې په افغانستان کې د ستونزو خبرې کوي او د هوارې لپاره یې د همکاری ژمنه کوي چې په دې هېواد کې ناامنی د پخوا په پرتله زیاتې شوي دي. هورا په افغانستان کې د وسله والو طالبانو د حملو زیاتوالی، د خلکو تښتوني او داسې نورې پېښې، د اندېښنې وړ ګڼي.

اقتصادي، پراختیایی، روزنیزو، روغتیایی او د امنیتي ځواکونو په تجهیزولو کې مرستې کړي دي. افغان ځواکونو ته د ۴ هلیکوپترونو ورکړه، د ملي شورا ودانۍ، د سلما د بند جوړول او داسې نور هغه مرستې دي چې هندوستان له افغانستان سره کړي دي. په وروستیو ورځو کې د هندوستان صدراعظم نریندرا مودي د امریکا کنگرس ته په وینا کې بیا هم تاکید کړی چې د افغانستان سوله او ثبات د هند او امریکا مهم هدفونه دي. د افغانستان مشرانو جرګه له افغانستان سره د هند مرستې ستایي او هیله ترې کوي چې د یو لړ نورو پروژو په عملي کولو کې دې له افغانستان سره، لا مرستې وکړي. د مشرانو جرګې رئیس فضل الهادي مسلمیار وویل: "تاسې د افغانستان د دوستۍ د ویاړ لپاره دلته یاست، موږ ستاسې له مرستو مننه کوو، د بندونو د جوړولو

ښاغلي هورا دا خبره د یکشنبې په ورځ له مشرانو جرګې څخه، له افغانانو سره د هند د اقتصادي او امنیتي همکاریو په مناسبت د ستاینلیک د اخیستلو پرمهال وکړه. هغه زیاته کړه: "د پراختیا سفر د اکثر هېوادونو لپاره ډېر اوږد وي، افغانستان هم اوس دغه سفر پیل کړی دی، لکه څنګه چې ښاغلي مودي په هرات کې ډاډ ورکړ، زه هم وایم چې موږ به په هر قدم کې له تاسو سره اوسو، ممکن تاسو د پراختیا په سفر کې د سولې، امنیت او زیربنا په برخو کې د اوس په څېر له ستونزو سره مخ شئ، خو موږ له تاسو سره یو او په ګډه به د ستونزو په وړاندې درېږو." په افغانستان کې د طالبانو له واکمنۍ وروسته هند د افغانستان د ستراتیژیکو همکاریو له ډلې څخه دی چې په وروستیو کلونو کې یې له افغانستان سره په

ز همراهان جدایی مصلحت نیست!

یاسین نگاه-شاعر



احمد ظاهر انکار این آهنگش را «ای ساریان آهسته ران کارام جانم می‌رود» را از یاد برده بود که برای پاچا می‌گفت: «پاچا بدوان که کیف میکنه» شاید این واپسین آهنگ احمد ظاهر باشد که در مسیر سالنگ تکرار می‌کرد و پاچا نیز می‌دواند و می‌دواند و می‌دواند! و سرانجام «بیا او نامرد که مرا می‌کشند» به روایتی آخرین جمله است برآمده از حنجره احمد ظاهر که یکی از جغرافیای‌های کوچک این جغرافیای قاتل و کر به نام چیراق آن را شنیده است و بس! لحظات بعد سیمای و گریبان احمد ظاهر نیز شبیه سیمای موتر خودش و عارف جودو سرخ می‌شود. و احمد ظاهر دیگر نمی‌داند که آهنگ «مرگ من روزی فرا خواهد رسید» حالا از فعل آینده به فعل گذشته پیوسته است. اما این را نیک می‌دانست و می‌داند که
مرد نمیرد به مرگ، مرگ از او نامجوست
نام چو جاوید شد، مردن اش آسان کجاست

استاد خلیل الله خلیلی، لاهوتی، فروغ فرخزاد و شماری دیگری از شاعران مانا و ماندگاری زبان پارسی را خوب می‌شناخته و آن متن‌ها را به صدا پیاده می‌کرده است. او دیوانه‌گی‌های صدایش را نه تنها با زبان پارسی؛ بلکه با زبان‌های پشتو، هندی و انگلیسی نیز شریک کرده است. احمد ظاهر خیلی دیر آمد و خیلی زود، پیش از آن که خودش بخواهد دیگران مرثیه رفتن اش را سرودند. فخریه همسر سوم احمد ظاهر در پیوند با واپسین سفر بی برگشت احمد ظاهر چنین می‌گوید: یک روز پیش از قتل احمد ظاهر خواب دیدم که در معرض توفان سهمگینی قرار گرفته ام. از فشار وزش توفان، چادر سفید از سرم به هوا می‌شود. در یک آشفته‌گی عجیب، موهایم پریشان شده اند ... تکان می‌خورم و از خواب می‌پریم. احمد ظاهر خانه نیست و من تصمیم می‌گیرم که این خواب سهم‌ناک را برای دکتر ظاهر حکایت نکنم. چنین کردم اما تفسیر توفان را فردای آن روز شنیدم... احمد ظاهر را کشته بودند!

سختگیری پاکستان بر مهاجران افغانستان



کشته شدن ملا اختر محمد منصور، رهبر پیشین طالبان در خاک پاکستان توسط پهبادهای آمریکایی سبب شده تا این کشور حلقه را بر مهاجران افغانستان تنگ کند. به گزارش خبرنگار آزاد سلام‌وطندار در پاکستان، اخیراً مهاجران در هر گوشه و کنار این کشور مورد آزار و اذیت شدید نیروهای امنیتی پاکستان قرار می‌گیرند و مهاجرانی که دارای ویزا هم باشند، تفاوتی با مهاجران غیرقانونی ندارند.

آگاهان می‌گویند که این موضوع ربطی به داشتن ویزا یا نداشتن آن ندارد و همه شمول است. به گفته آقای برق، پولیس تمام مهاجران افغانستان را در هر مکانی از جمله شفاخانه‌ها، پارک‌ها، مهمان‌خانه‌ها و حتی کوچه‌ها اذیت می‌کند. خبرنگار سلام‌وطندار می‌گوید که پولیس پاکستان از مهاجران افغانستان رشوه گرفته و آنان را به بهانه‌های مختلف از این در به آن در می‌دواند.

اما رحیم الله یوسفزی، نویسنده و خبرنگار پاکستانی می‌گوید، این بار نخست نیست که پاکستان در برابر مهاجران چنین رویکردی را در نظر گرفته است. به گفته آقای یوسفزی رویه نیک‌بود با مهاجران مستقیماً با روابط سیاسی و امنیتی کشورها پیوند دارد و در صورت بروز مشکلی در روابط کشورها، تغییراتی در طرز رویکرد با مهاجران نیز به وجود می‌آید.

این نویسنده و خبرنگار پاکستانی می‌افزاید که این مشکلات حتی در حد دیپلمات‌های دو کشور نیز است. به گفته او، سفارت و کنسولگری افغانستان در پاکستان نیز با مشکلاتی روبه‌رو شده اند و از این مشکلات مقام‌ها در اسلام‌آباد را آگاه ساخته اند. شماری از شهروندان کشور که اخیراً به پاکستان سر زده اند نیز می‌گویند، با این که هم گذرنامه داشته اند و هم ویزا، برای مداوای بیمارشان از یک شفاخانه به شفاخانه دیگری راجع شده اند و نیروهای پولیس این کشور، آنان را مورد آزار و اذیت قرار داده اند.

شکیب مستغنی، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان در این مورد می‌گوید که مشکل اساسی مهاجران نداشتن ویزاست و سفارت افغانستان در اسلام‌آباد تلاش‌ها برای حل این مشکل را آغاز کرده است.

اما اختر منیر، اتشه مطبوعاتی سفارت پاکستان در کشور تمام این گفته‌ها را رد می‌کند و می‌گوید، پاکستان هرگز با مهاجرانی که دارای ویزا و گذرنامه باشند، برخورد زشت نمی‌کند. آقای منیر می‌گوید: «مگر امکان دارد با مهاجری که هم گذرنامه داشته باشد و هم ویزای اقامت، برخورد زشت صورت گیرد؟»

مقام‌های افغانستان بارها پاکستان را متهم به حمایت طالبان کردند و ادعا داشتند که مقام‌های ارشد طالبان در خاک پاکستان به سر می‌برند؛ مرگ ملامنصور حدود ۲۰ روز پیش در خاک این کشور نیز اثباتی بر این ادعای مقام‌های افغانستان بود. پس از این رویداد فشارهای بین‌المللی بر این کشور افزایش یافت و حتی واشنگتن چندین مرتبه کمک‌هایش به اسلام‌آباد را به تعویق انداخت.

کاشانه پناهجویان در شمال یونان تخریب گردید



محل بیرون کشیده شدند. مقامات خیلی متعجب شدند زمانی که از حضور ۱۰۰ پناهجو از میان گروه اصلی ۸۰۰ نفری در اردوگاه «استیشن گاز بی پی» و ۲۰۰ تن دیگر در نزدیکی هتل حارا با خبر شدند. هدف اساسی مقامات دولتی یونان این است که هرچه عاجل بتوانند همه اردوگاه‌های غیر معیاری به گونه انحصار کمپ «استیشن گاز ایکو» را که در ۲۰ کیلومتری آنجا موقعیت دارد، دور سازند.

بسیاری از این باور نمی‌کردند که همه تداویر در اردوگاه‌های رسمی گرفته شده باشد. برای پیشبرد زندگی روزمره ۱۵۰۰ پناهجو در آن اردوگاه به گونه اساسی آمادگی گرفته شده و کمک‌های نهادهای خیریه امداد رسان و رضاکار فراهم شده است. این خدمات از جمله غذا، نیازهای درمانی و بهداشتی احتمالاً بدتر از مراکز پذیرش دولتی آنجا نیست. حتی دروس مکتب برای اطفال پناهجو در آن جا تدریس گردیده و رضاکاران اسپانیایی از طرف صبح برای اطفال و بعد از ظهر برای جوانان انگلیسی را تدریس می‌کنند.

غذای شبانه روزی خود را آماده نمایند. از سویی هم نهادهای امداد رسان ضروریات اولیه را برای این افراد فراهم می‌کرد. اما، روز پنج شنبه گذشته آوارگان تنها معدودی از وسایل ضروری را با خود گرفته و داشته‌های دیگر را در همانجا رها کردند. این افراد توسط بس به اردوگاه‌های رسمی موسوم به دیافاتا نزدیک شهر سالونیک انتقال داده شدند.

ادریس سخنگوی همین گروه در گفتگو با رسانه‌ها گفت که این گونه کمپ‌های غیر رسمی، شایسته زندگی بشر به ویژه برای زنان و کودکان نمی‌باشد. به همین دلیل این پناهجویان پذیرفتند که از آن جا به اردوگاه‌های اساسی انتقال داده شوند. برای شش روز به گونه بی هم بس‌ها به اردوگاه «استیشن گاز بی پی» و اطراف خیابان هتل حارا برای انتقال پناهجویان آمدند. پناهجویانی که از ماه‌ها به این طرف در این محل زندگی می‌کردند، از آنجا به مراکز رسمی اقامت پناهجویان انتقال داده شدند. بخش مطبوعات پولیس در آن کشور گفته است که تا حال در مجموع نزدیک به ۵۰۰ مرد، زن و کودک از آن

چند روز پس از پاک سازی اردوگاه ایدومینی، حالا پولیس یونان اقامتگاه‌های غیر رسمی در برخی نقاط این کشور را از بین می‌برد. در حالی که هنوز هم پناهجویان به گونه چشمگیر در تلاش عبور از مرز مقدونیه برای رسیدن به اروپا اند.

به گزارش دویچه وله، نخست پناهجویان از این کمپ بیرون شدند و پس از آن گروه تخریب حتی همه آثار زندگی گذشته باشندگان آن را از بیخ و بن برچیدند. از ماه‌ها بدینسو، نزدیک به پنجاه ایزدی سوریه در محوطه موسوم به «استیشن گاز بی پی» نزدیک مرز مقدونیه با یونان زندگی می‌کردند. این اردوگاه در واقع چندین دورتر از ایدومینی موقعیت ندارد. در زیر خیمه‌ها در ایدومینی از چندین ماه به این طرف تا ۹۰۰۰ مهاجر تحت شرایط دشوار به سر می‌بردند که پس از تلاش‌های مکرر، پولیس یونان توانست آن اردوگاه را در اواخر ماه گذشته پاک کاری کند.

پناهجویان هنگام زندگی در این منطقه تلاش کرده بودند تا حد توان سرپناهی برای زندگی شبانه روزی خود اعمار کنند. آوارگان خیمه‌های موقتی را برافراشته بودند تا بتوانند در سایه آن به دور از اشعه آفتاب بخوابند و